

## پیوند قرآن و انقلاب اسلامی در اندیشه و سیره امام خمینی (س)

فیض اله اکبری دستک<sup>۱</sup>

**چکیده:** امام خمینی قرآن را از چنان ظرفیت و جامعیتی برخوردار می‌داند که می‌تواند تأمین‌کننده جامع نیازهای مادی و معنوی بشریت در مسیر تدارک زندگی سعادت‌مندانه در همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد. از دیگر سو، قرآن در دیدگاه امام خمینی صرفاً کتاب اخلاق و تربیت و معرفت فردی نیست بلکه ایشان قرآن را در بردارنده آموزه‌های اجتماعی و سیاسی در امور مدیريت و حاکمیت جامعه بر مبنای استقلال، آزادی، استکبارستیزی و ظلم‌ناپذیری می‌داند. از همین روی در باور ایشان، قیام‌های اسلامی در طول تاریخ از جمله قیام عاشورا، برای تجدید حیات قرآن بوده که ملت شریف ایران نیز با تاسی از آن نهضت اسلامی خویش را برای حاکمیت قرآن و تشکیل حکومت قرآنی بر پا نموده است و با اتکا و اعتصام به قرآن و استمداد از رمز قرآنی شهادت طلبی، پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی حکومت طاغوت را فراهم آورده است که می‌تواند به‌عنوان سرمشقی مطمئن و جاودانه برای سایر ملل مستضعف اسلامی معرفی گردد. لذا بازشناسی اصول بنیادین قرآن‌شناختی امام خمینی و بازتاب آن در پیدایش نهضت اسلامی از یکسو و تبیین و تحلیل رابطه قرآن و انقلاب اسلامی ایران از رهگذر فهم عناصر و مؤلفه‌های آن در کلام امام خمینی از سوی دیگر را می‌توان به‌عنوان رسالت اصلی این مقاله در نظر گرفت.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، انقلاب اسلامی، امام خمینی، مردم، راهبردها، حکومت

E-mail: F.Akbari@Kiau.ac.ir

۱. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۳

پژوهشنامه متین/سال نوزدهم/شماره هفتاد و پنج/تابستان ۱۳۹۶/صص ۲۲-۴۳

## ۱. مقدمه و طرح مسأله

یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین جنبه‌ها و ابعاد قرآن شناختی امام خمینی را باید در رویکرهای خاص ایشان در فهم و تفسیر آیات مبتنی بر آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن کریم جستجو نمود. رویکردی که تا پیش از امام خمینی، مورد اعتنا و اهتمام دانشمندان مسلمان قرار نگرفته یا به‌طور ناچیز و ناتمام مورد اقبال واقع شده بود و در حقیقت این امام خمینی به‌عنوان تنها مقام مرجعیت دینی و فقهی مسلمین در عصر حاضر بوده است که با استناد به آموزه‌های سیاسی - حکومتی قرآن و سنت، توانست نهضت اصلاحی مبتنی بر حاکمیت قرآن و احکام اسلامی را در این بخش از جهان عملیاتی نموده و گفتمان جدیدی از اسلام و انقلاب برپایه دیانت و تعالیم قرآن و سنت را به جهان اسلام و نیز سایر حکومت‌های جهانی، عرضه نماید. بر این اساس در دیدگاه امام خمینی، به همان اندازه و مقداری که قرآن کریم، کتاب هدایت و تربیت انسان‌هاست و حاوی ارزش‌های اخلاقی و انسانی است، به همان اندازه نیز در بردارنده بسیاری از احکام و مسائل سیاسی و اجتماعی و نیز برنامه‌هایی جامع برای تشکیل حکومت و اجرای دستورات و قوانین اسلامی و الهی است که از یک سو، با استناد به قصص انبیای پیشین و امت‌های آنان در تشکیل حکومت برای هدایت و تربیت بشریت و از سوی دیگر، در سایه تشویق و ترغیب کتاب الهی برای مبارزه با مستکبرین و ستمگران برای نجات مستضعفین از بردگی طاغوتیان، می‌توان میانی آن را در اندیشه قرآنی امام خمینی جستجو نمود. لذا ایشان به نقش و سهم متقابل مردم و قرآن در هدایت و پیروزی امت‌های مسلمان علیه مستکبران و ستمگران جهانی اشاره نموده تا از رهگذر این رویکرد قرآنی؛ آزادی، استقلال و عظمت مسلمین تجدید گردد. همچنان که ایشان از یک سو، قیام سرخ عاشورا را در راستای حفظ قرآن و ترویج قوانین آن دانسته و از سوی دیگر، بر این باور است که ملت ایران با الهام از قیام حسینی<sup>(ع)</sup> و میراث ماندگار شهادت طلبی، قیام خویش را برای حفاظت از حریم قرآن و نیز احیا و اجرای دستورات آن به راه انداخته و در مقابل، همین روحیه شهادت طلبی و دفاع از مکتب قرآن و در یک کلمه اعتماد و اتکا به قرآن نیز عامل اصلی پیروزی این ملت در نهضت قرآنی خویش گردید.

این در حالی است که موضوع رابطه متقابل آموزه‌های قرآن و انقلاب اسلامی در منظومه فکری و گفتمان قرآنی - انقلابی امام خمینی با تمرکز بر نص صریح بیانات ایشان کمتر مورد مذاقه و مناقشه پژوهشگران علوم قرآنی قرار گرفته و احياناً آنچه تاکنون در این عرصه، انجام گرفته

است، عموماً به بررسی مبانی قرآنی انقلاب اسلامی و مبانی قرآنی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی نظر داشته است. لذا پژوهش حاضر می‌کوشد تا پیوند متقابل قرآن و انقلاب اسلامی ایران و نیز عناصر، مؤلفه‌ها و کارکردهای آن را در صریح کلام امام خمینی با ملاحظه اصول و راهبردهای قرآن شناختی ایشان، واکاوی و مذاقه نماید.

## ۲. معناشناسی انقلاب و مفاهیم مشابه

**انقلاب:** واژه انقلاب در آرا و اندیشه‌های نظریه‌پردازان از معنا و مفهوم یکسانی برخوردار نیست؛ بلکه هر یک براساس مبانی و نیز رویکردهای خاص خویش، تعریفی از آن ارائه نموده‌اند. به گونه‌ای که در گذرگاه معناشناختی انقلاب گاه با یکدیگر موافق و گاهی متفاوت از تعریف دیگری بوده است. این در حالی است که هانا آرنست از نظریه‌پردازان انقلاب، اصل و پیشینه تاریخی این اصطلاح را از مصطلحات اخترشناسی می‌داند که به واسطه اثر بزرگ کپرنیک در علوم طبیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده است. به گونه‌ای که این واژه در کاربرد علمی، معنای دقیق لاتینی خود را که به نوعی به حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان دلالت می‌کرد، حفظ نمود. وی معتقد است که در سده هفدهم واژه انقلاب برای نخستین بار به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی در سال ۱۶۶۰م پس از دگرگونی سیاسی در یکی از کشورها به کار رفت (آرنست ۱۳۷۴: ۳۶). هانتینگتون نیز انقلاب را یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن تعریف کرده است (هانتینگتون ۱۳۷۰: ۶۸) این تعریف هانتینگتون که بعد جامعه‌شناختی آن از نمود و جامعیت بیشتر برخوردار است، به نوعی به بارزترین و عمده‌ترین ویژگی انقلاب که دارای ماهیتی اجتماعی است، اشاره دارد. چرا که تعریف مزبور از یکسو معیارهای یک انقلاب سیاسی - اجتماعی را مشخص و از سوی دیگر انقلاب را از همه پدیده‌های مشابه متمایز می‌سازد. انقلاب بر این مبنا، پدیده‌هایی چون شورش‌های دهقانی، قیام‌های شهری، شورش‌های جدایی طلب ملی و مانند آن را در بر نمی‌گیرد. علاوه بر آن، هانتینگتون با تأکید بر عنصر خشونت، انقلاب را از اصلاحات عمیق جدا می‌انگارد (عیوضی و هراتی ۱۳۹۴: ۲۱) اندیشمندان اسلامی نیز در آرا و اندیشه‌های سیاسی خویش، به توصیف انقلاب پرداخته، تعاریفی از این اصطلاح به دست داده‌اند. به گونه‌ای که از نگاه و نگرش شهید آیت الله صدر، انقلاب

جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معینی است که با درک واقعیت‌های موجود به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم است (جمشیدی ۱۳۷۷: ۱۲۰) و شهید آیت الله مطهری نیز انقلاب را بدین گونه تعریف می‌کند: «انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان که مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظم مطلوب انجام می‌دهند» (مطهری ۱۳۶۱: ۲۳). در جمع بندی تعاریف یادشده می‌توان انقلاب را به معنای تغییر در ساختار حاکمیت و ساختارهای اجتماعی در نظر گرفت (عیوضی و هراتی ۱۳۹۴: ۲۱). صاحب نظران انقلاب را به دو گونه، انقلاب‌های سیاسی و انقلاب‌های اجتماعی تقسیم نموده‌اند که در انقلاب سیاسی با تغییر ساختار سیاسی، ساختارهای اجتماعی آن تغییر نمی‌یابد و این نوع انقلاب‌ها، تنها ساختار حکومت را دگرگون می‌سازند ولی انقلاب اجتماعی، عبارت است از تغییر سریع و اساسی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که با قیام عمومی مردم همراه است که انقلاب اسلامی ایران را باید به عنوان آخرین انقلاب اجتماعی در تاریخ جهان، قلمداد نمود (دهقان ۱۳۷۶: ۱۹). شکل گیری هر انقلاب تحت تأثیر عوامل مختلفی است که نارضایتی عمیق، ظهور ایدئولوژی جدید، گسترش روحیه انقلابی و وجود رهبری را می‌توان از مهم ترین عوامل آن به شمار آورد. انقلاب‌ها عموماً ویژگی‌هایی نظیر: بنیادین بودن تغییرات، مردمی بودن، وجود رهبری و برنامه محوری را در خود جای داده‌اند که باعث جدایی و تمایز آنها از سایر تحولات سیاسی و اجتماعی همچون کودتا، شورش، جنبش و اصلاح می‌شود (محمدی ۱۳۸۰: ۳۸).

**جنبش:** جنبش مفهومی است که از حیث معنایی با انقلاب نزدیک است. در واقع جنبش بسترهای تحول در جامعه را شکل می‌دهد که این تحول می‌تواند به انقلاب یا اصلاحات بدل گردد. تفاوت عمده جنبش با انقلاب و اصلاح در شیوه اجرایی و رفتاری و نیز در هدف نهایی آن است (عیوضی و هراتی ۱۳۹۴: ۲۴).

**کودتا:** کودتا اقدام معدودی از نیروهای نظامی با حمایت برخی از نیروهای حاکم است که هدف از آن رسیدن به قدرت و برکناری حاکمی است که در رأس قدرت قرار دارد. با این تعریف، تفاوت میان انقلاب و کودتا را می‌توان به روشنی دریافت از جمله اینکه کودتاچیان از پیکره قدرت حاکم برمی‌خیزند و عموماً پایگاه مردمی ندارند در حالی که عنصر اصلی قوام بخش انقلاب، خود مردمند که در مقابل قدرت حاکم قرار دارند. کودتا در جوامعی رخ می‌دهد که

ارتش و نیروهای نظامی نقش ویژه‌ای در برابر ملت دارد. اما انقلاب در جوامعی رخ می‌دهد که مردم نقش اصلی را بر عهده دارند. دیگر آنکه در کودتا ارزش‌ها و زیرساخت‌ها تغییر نمی‌یابد و ساختار نظام با تغییر صرف فرد اداره‌کننده آن، همچنان باقی است و از طرفی دیگر در کودتا دخالت عوامل بیگانه غالباً انکارناپذیر است در حالی که در انقلاب قاعدتاً چنین مواردی ممکن نیست (بشیریه ۱۳۸۱: ۲۳).

### ۳. اصول و راهبردهای قرآن شناختی امام خمینی

بی‌شک اساسی‌ترین راهبرد مبانی تفکر انقلابی و دینی امام را می‌توان در اشاره‌ها و پیام‌های جاویدان مکتب انسان‌ساز قرآن و تعالیم ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> جستجو نمود به گونه‌ای که بنیادی‌ترین شاکله تفکر تشکیل حکومت دینی و اسلامی امام خمینی را باید در نگاه جامع ایشان به نقش بی‌بدیل تعالیم فرا عصری قرآن کریم و کاربرست دستورات جامع این کتاب جاودانه تلقی نمود. از همین رو با مطالعه دقیق و عمیق آرا و آثار قرآنی امام مهم‌ترین اصول قرآن شناختی ایشان را می‌توان در مؤلفه‌ها و راهبردهای ذیل تقریر نمود:

#### ۳-۱. اصل و حیانت قرآن

امام خمینی قرآن کریم را از یکسو نازلۀ غیبی و مظهر رحمت مطلقه الهی می‌داند که جامع تمامی کمالات و صورت اسم اعظم و همتای انسان کامل، یعنی رسول خدا<sup>(ص)</sup> است که از این حیث، هیچ‌گونه نسخ و انقطاعی در آن راه ندارد و در کسوت الفاظ و حروف درآمده تا بشر را از ملک عالم به ملکوت و ماورای آن سیر دهد و از سوی دیگر آن را کتابی دارای حقیقت و ماهیت ماورایی معرفی می‌نماید که در ورای این معرفی ظاهری، حقیقت و ماهیتی دیگر دارد که از دسترس ما دور بوده و سخن گفتن از آن نیز بسی سخت و دشوار است (امام خمینی ۱۳۸۰: ۶۶).

#### ۳-۲. اصل هدایتگری قرآن

در دیدگاه امام خمینی به همان اندازه که شناخت مکانت و منزلت قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است، مقصد شناسی و شناخت رسالت آن نیز از اهمیت بالا و والایی برخوردار است. چرا که در حقیقت، قرآن چیزی جز فهم مقاصد و مدالیل آن نیست و لذا مفسری توانسته است به تفسیر

واقعی و حقیقت قرآن مبادرت و وزد که مقاصد و رسالت‌های آن را بیان کرده باشد (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۹۳) بر همین مبنا، در دیدگاه قرآن شناختی امام خمینی رسالت هدایتی قرآن را باید به عنوان نخستین و بنیادی‌ترین بُعد از ابعاد رسالتی قرآن کریم در راستای هدف شناسی نزول آن قلمداد نمود؛ چرا که ایشان با استناد به آیات وحی، مأموریت و رسالت هدایتی قرآن کریم را مهم‌ترین سرفصل هدف شناسی نزول کتاب خدا می‌داند (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۹۳). لذا رسالت هدایتی این کتاب مقدس از نگاه امام را می‌توان در مقولات و مقاصدی همچون: ایصال به مقام قرب (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۸۵) هدایت به سبیل سلامت (امام خمینی ۱۳۸۰: ۲۰۳) راهنمایی به مقاصد عالی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۵۱۱) انعکاس معنویت در مادیت (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۴۳۴) و قرآن، کتاب جهانی هدایت و نقطه جمع تمام مسلمین (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۹۵) جستجو نمود.

### ۳-۳. اصل جامعیت قرآن

به رغم اذعان و اعتراف جازمی که عموم اندیشمندان اسلامی نسبت به مسأله جامعیت قرآن روا داشته‌اند باید اعتراف نمود هیچ‌گاه به‌طور مستقل و مستوفی در دستور کار مطالعاتی قرآن پژوهان مسلمان قرار نگرفته و در مواردی هم که از این مقوله سخن گفته‌اند، همواره تابع و تحت الشعاع مبحث تفسیر علمی آیات واقع شده است. این در حالی است که در میان اندیشه‌وران اسلام، امام خمینی را باید از جمله معدود عالمانی دانست که در آرا و آثار قرآن شناختی خویش از جامعیت قرآن با نگرشی خاص، واقع بینانه، مبتکرانه و در عین حال کاربردی سخن رانده که چنین باور و بینشی در نگاه‌ها و نگاشته‌های هیچ یک از متفکرین شیعه و سنی در ادوار مختلف تاریخ تفسیر قرآن به چشم نمی‌خورد (اکبری دستک ۱۳۹۴: ۱). آنجا که می‌فرماید: «صاحب این کتاب سکاکی و شیخ نیست که مقصدش جهات بلاغت و فصاحت باشد... این کتاب چون عصای موسی و ید بیضای آن سرور یا دم عیسی که احیاء اموات می‌کرد نیست که فقط برای اعجاز و دلالت بر صدق نبی اکرم (ص) آمده باشد؛ بلکه این صحیفه الهیه کتاب احیاء قلوب به حیات ابدی علم و معارف الهیه است؛ این کتاب خدا است» (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۹۴). امام خمینی با تکیه بر آیات «... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹) و «... مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...» (انعام: ۳۸) همگام و همصدا با عموم مفسرین و قرآن پژوهان فریقین بر اصل

جامعیت و فراگیر بودن قرآن پای فشرده است ولی این اذعان و اعتقاد به جامعیت قرآن بدان معنا نیست که تلقی و تفسیر ایشان از مدلول و مفهوم جامعیت قرآن به ویژه دامنه و وسعت این جامعیت، هماهنگ و مشترک با فهم و تفسیر دیگر مفسران و متفکران اسلامی باشد. در برابر دیدگاه کسانی همچون غزالی، ابوالفضل مرسی، صاحب البرهان و صاحب الاتقان و برخی دیگر که بر جامعیت عام و مطلق قرآن رأی داده و بر این باورند که جامعیت قرآن به گونه‌ای فراگیر است که شامل تمامی علوم و دانش‌های گوناگون موجود اعم از علوم الهی و علوم بشری (حسی و تجربی) می‌شود (غزالی ۱۴۰۲ ج ۳: ۱۶؛ بی‌تا: ۲۵؛ ذمبی ۱۳۹۶ ج ۲: ۴۷۸؛ زرکشی ۱۴۱۰ ج ۲: ۱۸۱؛ سیوطی ۱۴۰۵: ۵؛ آلوسی بغدادی ۱۴۱۵ ج ۴: ۳۹؛ طنطاوی بن جوهری بی‌تا ج ۱: ۸۴؛ فیض کاشانی ۱۴۱۶ ج ۱: ۵۷) امام خمینی همگام و همصدا با بسیاری از عالمان و مفسرین شهیر فریقین در ادوار مختلف نظیر شیخ طوسی، طبری، فخر رازی، صاحب الکشاف، صاحب المیزان و برخی دیگر به دفاع از جامعیت خاص و اعتدالی قرآن برخاسته، بر این اعتقادند که با توجه به اصل مهم هدف‌شناسی نزول قرآن، مقصود خداوند از تبیان کل شیء بودن قرآن، جامعیت خاص و نسبی آن است تا جامعیت مطلق و فراگیر آن؛ چرا که قرآن کتاب شریعت و هدایت است و در مسیر هدایت و تربیت جوامع بشری، جامع تمام قوانین و اصولی است که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در دایره هدایت و تأمین سعادت انسان‌ها، تعریف و تبیین می‌شود (طبرسی ۱۴۱۵ ج ۶: ۳۸۰؛ طبری ۱۴۲۵ ج ۱۴: ۲۱۴؛ فخررازی ۱۳۷۹ ج ۱۹: ۱۰۲؛ زمخشری بی‌تا ج ۲: ۶۲۸؛ طباطبایی ۱۳۷۹ ج ۱۲: ۳۴۴؛ شاطبی بی‌تا ج ۲: ۷۸).

بنابراین مطالعه و مذاقه همه جانبه اندیشه‌ها و گفتارهای قرآنی - تفسیری امام خمینی، نمایانگر آن است که ایشان به معنا و مفهوم دوم جامعیت قرآن؛ یعنی جامعیت اعتدالی و خاص قرآن کریم اعتقاد و اصرار دارد نگرشی که در پی آن است که ادعای جامعیت قرآن را به لحاظ نوع رسالت و مأموریتی که این کتاب آسمانی داراست، ناظر و مختص به جنبه هدایتی و رشد اخلاقی و معنوی بشر در مقایسه با سایر شئون و ابعاد زندگی انسان‌ها، تفسیر نماید. در همین راستا، امام خمینی، به تبیین و تحلیل ابعاد و مؤلفه‌هایی از دامنه و قلمرو جامعیت هدایتی قرآن می‌پردازد که از عمق آگاهی و شناخت همه جانبه ایشان از مجموع ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و کارآمدی‌های تام و تمام قرآن در حوزه‌ها و شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها حکایت دارد. جامعیت تبیینی قرآن (امام خمینی ۱۳۸۱: ۲۹) جامعیت تربیتی قرآن (امام خمینی ب ۱۳۸۲: ۶۲) جامعیت تقنینی قرآن

(امام خمینی بی تا: ۳۱۵) جامعیت فرا زمانی و فرا مکانی قرآن (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۱۷۱) و جامعیت قرآن در تمام مصالح انسانی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۵۳۲، ج ۱۸: ۴۲۳) را می توان از مهم ترین رویکردهای امام خمینی در تبیین قلمرو جامعیت اعتدالی و خاص قرآن جستجو نمود.

### ۳-۴. اصل اعجاز در معارف توحیدی و تربیتی قرآن

گرچه اصل اعجاز قرآن امری مسلم و غیر قابل تردید است، اما مهم تر از آن بررسی وجوه گوناگون اعجاز و شناخت آرا و نظریات قرآن پژوهان مسلمان در این زمینه است که در این باره، برخی اختلاف نظرها نیز وجود دارد به گونه ای که جلال الدین سیوطی تا ۳۵ وجه برای اعجاز قرآن ذکر کرده است. (سیوطی ۱۴۰۸ ج ۱: ۱۲) و علامه طباطبایی هم در *المیزان* به ۱۰ وجه اشاره می کند (طباطبایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۶۸-۶۲). اهم وجوه اعجاز کتاب الهی که در آیات قرآن از آن سخن به میان آمده است، عبارتند از: اعجاز در فصاحت و بلاغت، اعجاز در شخص آورنده آن، اعجاز در استواری بیان و عدم اختلاف، اعجاز در قانونگذاری و هدایتگری، اعجاز در اخبار و حوادث غیبی (خویی ۱۴۰۱: ۷۷-۶۵؛ معرفت ۱۳۷۴ ج ۵: ۴۸-۲۰). این در حالی است که امام خمینی درباره اعجاز قرآن، دیدگاهی نو و بدیع و در عین حال رویکردی متفاوت با آراء دیگران دارد. ایشان در عین اینکه به وجوه یاد شده و متداول اعجاز قرآن که از سوی دانشمندان و قرآن پژوهان مسلمان مطرح شده، نظری مثبت و موافق دارد ولی تمام وجوه و ابعاد این اعجاز را در مقوله ها و موارد مذکور و مشهور خلاصه نمی دانند؛ بلکه ایشان در دیدگاه قرآن شناختی خویش به وجوه و ابعاد دیگری از اعجاز قرآنی، توجه و تمرکز می نمایند که از نگاه و منظر سایر قرآن پژوهان و ارباب ادب و بیان یا مغفول مانده و یا چندان بدان اهتمام و اعتنا نورزیده اند. آنجا که می فرماید:

قرآن شریف به قدری جامع لطایف و حقایق و سرایر و دقائق توحید است  
که عقول اهل معرفت در آن حیران می ماند؛ و این، اعجاز بزرگ این  
صحیفه نورانیه آسمانی است، نه فقط حسن ترکیب و لطف بیان و غایت  
فصاحت و نهایت بلاغت و کیفیت دعوت و اخبار از مغیبات و احکام و  
أحكام و اتقان تنظیم عائله و امثال آن، که هر یک مستقلاً اعجازی فوق  
طافت و خارق عادت است (امام خمینی ۱۳۸۰: ۲۶۴-۲۶۳).

امام خمینی ضمن دعوت همگان به ضرورت ملاحظه همه ابعاد اعجاز قرآن از یکسو و تأکید و تمرکز بر اعجاز معرفتی و تربیتی توحید محور به عنوان بزرگ ترین مظهر اعجاز این کتاب



آسمانی از سوی دیگر، به‌طور غیر مستقیم و با رویکردی انتقادی بر کسانی که سعی و یا باور دارند که تمام ابعاد اعجاز قرآن را در فصاحت و بلاغت و یا بعضاً در بُعد مغیبات و یا اتقان کلام، محصور و محدود می‌کنند، خرده می‌گیرد به ویژه آنکه دیدگاه ایشان در بحث اعجاز بلاغی قرآن بر این پایه استوار است که در عین اینکه آن را یکی از وجوه مستقله باب اعجاز قرآن می‌داند ولی به جنبه عمومی اعجاز قرآن اعتقادی ندارد بلکه عنصر فصاحت و بلاغت را به‌عنوان یکی از جنبه‌های اختصاصی اعجاز قرآن و مربوط به اعراب صدر اسلام می‌داند که در آن زمان از تخصص و تبحر بالایی برخوردار بودند و از همین روی، این وجه معجزه قرآنی، نسبت به سایر وجوه اعجاز مشهورتر گردید:

...بلکه می‌توان گفت اینکه قرآن شریف معروف به فصاحت شد و این

اعجاز در بین سایر معجزات مشهور آفاق شد، برای این بود که در صدر اول

اعراب را این تخصص بود و فقط این جهت از اعجاز را درک کردند؛ و

جهت مهم‌تری که در آن موجود بود و جهت اعجازش بالاتر و پایه

ادراکش عالی‌تر بود اعراب آن زمان درک نکردند (امام خمینی ۱۳۸۰:

۲۶۴).

اعجاز در جامعیت معنوی و عرفانی مبتنی بر فضای نزول (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۲۱۰؛ ۱۳۸۰:

۲۶۴) اعجاز در امی بودن پیامبر اعظم (ص) (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۲۴۰؛ الف ۱۳۸۲: ۲۰۱)، اعجاز در

تحدی (امام خمینی بی تا: ۴۷) و نیز اعجاز در فصاحت و بلاغت، اخبار غیبی، اتقان و استواری در

بیان قرآن (امام خمینی ۱۳۸۰: ۲۶۴) را به ترتیب می‌توان به‌عنوان سایر ابعاد و وجوه اعجاز قرآن در

نگاه و نگرش امام خمینی ملحوظ نمود.

#### ۴. قرآن، مردم و انقلاب اسلامی در نگاه امام خمینی

در متن و بطن اندیشه‌های قرآنی - انقلابی امام خمینی که به نوعی اندیشه‌های اسلام سیاسی ایشان را شامل می‌شود، مردم سالاری دینی برای تحقق حاکمیت قرآن و آزادی حقیقی بشریت از ظلم و بی‌عدالتی مستکبرین با اتکا به آموزه‌های بلند قرآن و عترت (ع) امری انکارناپذیر است به گونه‌ای که پایه و مایه اصلی شکل‌گیری انقلاب و پیروزی نهضت امام خمینی را می‌توان در اشارات و تصریحات آموزه‌های سیاسی - انقلابی کتاب وحی و نیز منشور حکومت نبوی (ص) و علوی (ع) و

همچنین مکتب سرخ عاشورا و نهضت حسینی<sup>(ع)</sup> جستجو کرد آن گونه که رهیافت اصیل عناصر، مؤلفه‌ها و نیز کارکردهای تعالیم قرآنی - نبوی در سیره سیاسی امام را می‌توان ذیلاً به وضوح لمس نمود.

#### ۴-۱. ضرورت صبر و استقامت در دفاع از قرآن

امام خمینی با مطالعه و آگاهی عمیق از حوادث تلخ تاریخ اسلام در جهان و نیز نقشه‌های شوم مستکبرین و مترفین در مسیر مبارزه با تعالیم و آموزه‌های ناب قرآن و سنت در راستای هدایت جوامع بشری به سوی استقلال طلبی، آزادی خواهی و حقیقت جویی، به لزوم مقاومت و پایداری امت اسلام در برابر دشمنی‌ها و توطئه‌های نظام استکباری اشاره نموده و از جمله مهم‌ترین سرفصل‌های رفتاری امامان معصوم شیعه<sup>(ع)</sup> و اولیای دین را در دفاع و پاسداری از حریم قرآن معرفی نموده است به گونه‌ای که میراث مکتب سرخ شهادت عاشورایی را می‌توان به‌عنوان بهترین الگو و سرمشق در راه صیانت و حفاظت از حیات جاودانه این کتاب مقدس، قلمداد نمود. از همین روی، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و سرفصل‌های صبر و استقامت مردم در دفاع از اسلام و قرآن در دیدگاه امام راحل را می‌توان در موارد ذیل دسته بندی نمود:

#### ۴-۱-۱. فداکاری و جانبازی ائمه<sup>(ع)</sup> در حفظ و ترویج قرآن

امام خمینی در راستای ضرورت صبر و استقامت در دفاع و پاسداری از حریم قرآن به ذکر نمونه‌ها و مواردی از فداکاری‌ها و جانبازی‌ها و قیام‌های انقلابی و اصلاحی امامان معصوم و سایر اولیاء الهی<sup>(ع)</sup> در طول تاریخ اسلام اشاره و چنین می‌فرماید: «بزرگان اسلام ما، در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاری‌ها کردند تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۱۶۶).

و نیز می‌فرماید: «امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - با شیعه بزرگوار خود در جنگ‌های بزرگ اسلام پیشقدم بود. اولاد طاهرین او مثل سیدالشهدا - سلام الله علیه - که قیام و نهضت کرد و خون خود را در راه اسلام داد یا سائر ائمه ما که در پشت پرده تقیه، اسلام را ترویج و قرآن را تأیید کردند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۶۰).

#### ۴-۱-۲. شهادت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> سرآغاز حیات ابدی قرآن

از منظر امام، شهادت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و نهضت خونبار حسینی را باید مصداق بارز و اتم دفاع از کیان قرآن و نقطه آغاز حیات جاودانه و ابدی قرآن معظم تلقی نمود. آنجا که می‌فرماید: «شهادت سید مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا، سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن کریم بو» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۴۰۳).

در این فراز از گفتار امام راحل، به صراحت بیان شده که تمام مقصد و مقصود یزیدیان و سفیانیان از مخالفت با اسلام و امام حسین<sup>(ع)</sup> ضایع کردن و به فراموشی سپردن کلام وحی و سیره نبوی و علوی بوده است که حقیقتاً قیام سرخ حسینی، شجره طیبه قرآن و سنت را تا ابد جاودانه ساخت. همچنان که ایشان در فرازی دیگر، مکتب سرخ شهادت را میراث ماندگار و جاودانه خط سرخ نبوی و علوی قلمداد نموده و این پدیده عظیم را در راه ماندگاری و حراست از کیان اسلام و قرآن، امری معهود و پدیده‌ای شناخته شده معرفی می‌نماید: «شهادت برای فرزندان اسلام و ذریه پیامبر عظیم الشان - صلی الله علیه و آله - و اولاد فاطمه - علیهم السلام - و یادگاران حسین - سلام الله علیه - در راه هدف و اسلام عزیز و قرآن کریم چیزی غیر عادی و پدیده‌ای غیر معهود نیست» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۴۱۸).

امام همچنین در بیانی دیگر، یکی دیگر از جلوه‌های افتخارآمیز مقاومت امامان شیعه<sup>(ع)</sup> در راه تعالی دین و اجرای احکام قرآن کریم را حبس، تبعید و شهادت آن بزرگواران دانسته که سرانجام منجر به حراست و نگهبانی از کتاب وحی گردیده است، آنجا که می‌فرماید: «ما مفتخریم که ائمه معصومین ما - صلوات الله و سلامه علیهم - در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم... در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جائزانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۹۷).

#### ۴-۱-۳. افتخار فداکاری شیعیان در راه اسلام و قرآن

امام راحل فداکاری شیعیان در راه مبارزه با ظلم و فساد برای اهداف مقدسه اسلامی به‌ویژه در راه حفظ قرآن و اسلام را، مایه افتخار و عزت و آبروی مسلمین به‌ویژه ملت شریف ایران دانسته که با تأسی به دستورات قرآن و سنت رسول اکرم<sup>(ص)</sup> و سیره امامان معصوم<sup>(ع)</sup> پای در این میدان نهاده و چنین می‌فرماید: «اسلام عزیز و بویژه جهان تشیع در طول تاریخ، از صدر اسلام تا کنون، سوابق

درخشانی در میدانهای خون و شمشیر داشته و به حکم قرآن کریم و سنت رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - و سیره ائمه معصومین - علیهم صلوات الله - برای اهداف مقدسه اسلامی و قطع فساد با شمشیر و خون دست به گریبان بوده و فداکاریهای عظیم در این راه مقدس نموده است. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۴۹۶) و نیز می‌فرماید: «هر چه در راه خدا بدهیم و هر چه در راه قرآن بدهیم فخر ماست، افتخار ماست، راه حق است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۵۱۲).

#### ۴-۱-۴. حفاظت از قرآن، رمز پیروزی و بالاترین ارزش‌ها

امام خمینی در مسیر تعیین نقش مردم در دفاع از قرآن و گرایش به معارف عظیم آن، از یک سو حفظ و حراست از کتاب وحی را مایه پیروزی ملت‌ها دانسته و از سوی دیگر، تلاش در جهت حفظ شرافت اسلام و صیانت از قرآن را بالاترین نوع ارزش‌گرایی و آرمان‌خواهی اسلام معرفی کرده به گونه‌ای که در این مسیر باید جانفشانی نموده و همه هستی و سرمایه انسانی خود را در این راه فدا کنیم تا اسلام و قرآن که بالاترین ارزش‌های دینی را در خود تعبیه نموده‌اند حفاظت و مراقبت شوند، همان درسی که پیامبر اکرم (ص) و امام حسین (ع) در روز عاشورا به تمامی آزادی‌خواهان عالم دادند: «مسلمین باید خودشان را مکلف بدانند؛ گمان نکنند که اگر پیروز نشدند، نیستید پیروز. اگر معنویات ما محفوظ بشود، گرایشمان به قرآن محفوظ باشد، چه شهادت برای ما حاصل بشود، که نیل بزرگی است؛ و چه پیروز بشویم. ما الحمد لله در همه جاها پیروز هستیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۳۲۲). و نیز می‌فرماید: «ما می‌خواهیم اسلام عزیز را، که همه چیز درش هست، استقلال درش هست - آزادی درش هست، شرافت درش هست - می‌خواهیم این را حفظش بکنیم و قرآن کریم را حفظ بکنیم. این ارزش دارد به اینکه ما همه‌مان هم از بین برویم، رفتیم. مگر ما از پیغمبر بالاتریم؟ مگر ما از حسین بن علی بالاتر هستیم؟ آنها هم همه چیزشان را دادند در راه هدفشان» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۳۰۸).

#### ۴-۱-۵. شکیبایی و شهادت طلبی، رمز احیا و اجرای قرآن

در راستای حضور و مشارکت گسترده مردم در دفاع و صیانت از حریم قرآن و اسلام با سرمشق‌گیری از سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)، امام به دو عنصر کلیدی برای تحقق عینی و عملی این وظیفه اسلامی و انقلابی برای مسلمانان، اشاره می‌نماید: یکی شکیبایی و

دیگری شهادت طلبی. لذا امام در خصوص لزوم صبر و شکیبایی مردم به عنوان نخستین عنصر احیای قرآن چنین می‌فرماید: «باید صبر کرد، سفارش به صبر کرد، برای احقاق حق، صبر لازم است. اگر ما اسلام را می‌خواهیم و اگر قرآن کریم را می‌خواهیم.» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۴۶۹). امام همچنین در خصوص مقوله شهادت طلبی به عنوان دومین عنصر کلیدی در مرحله احیا و اجرای احکام و قوانین قرآن چنین می‌فرماید: «ملتی که برای اقامه عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست جنایتکاران ابرقدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است، خود را برای شهادت و شهید دادن آماده نموده است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۱۵). همچنین که ایشان در همین رابطه در ضمن بیانی دیگر، به صراحت از آمادگی و استقبال ملت آرمان خواه و قیام کننده برای خدا و قرآن و عدم اعتنای آنان به تهدیدها و ترورهای بیگانگان جنایتکار، پرده برمی‌دارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۳۴). ایشان در گفتاری دیگر علت و فلسفه وجودی روحیه شهادت طلبی در میان مردم ایران به ویژه جوانان را ناشی از تأسی و اقتدای آنان به مولا و سرورشان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) معرفی و چنین می‌فرماید: «اینان پیروان سید شهیدانند که در راه اسلام و قرآن کریم از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را قربان کر» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۲۲۷). از همین روی و با چنین بینش توحیدی و اسلامی است که امام این شهادت طلبی و ایثارگری جان در راه تحقق آمل و آرمان بلند اسلام خواهی و احیا و اجرای احکام قرآن را عین هدفمندی و نیل به مقصد و مقصود مطلوب، تلقی و معرفی می‌نماید و آن را این گونه بیان می‌دارد: «اگر میزان هدف است و اگر میزان اسلام است و پیاده کردن احکام قرآن است، این هدف به جای خودش هست و هر یک از اینها که شهید بشوند، با آنکه بر ما ناگوار است، لکن برای هدف مفید است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۲۵۸).

#### ۴-۲. قیام ملت ایران برای قرآن

همانگونه که امام خمینی به لزوم حضور مشارکت گسترده ملت‌های اسلامی در دفاع از حریم اسلام و قرآن در برابر مستکبرین و طاغوتیان اعتقاد داشته و در این خصوص اولیای الهی و ائمه معصومین شیعه (ع) به ویژه امام حسین (ع) را پرچمدار و پیشتاز میدان جانبازی و فداکاری برای حفظ و ترویج احکام قرآن معرفی نموده که شهادت آن حضرت در عاشورا را، سرآغاز حیات ابدی و جاودانه قرآن قلمداد نموده است، با همین رویکرد و جهت‌گیری اعتقادی و انقلابی خویش، قیام

ملت ایران را نیز برگرفته و برخاسته از مکتب سرخ عاشورایی و عزت طلبی سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین<sup>(ع)</sup> برای حفظ قرآن و همچنین احیا و اجرای احکام آن در راستای تشکیل حکومت قرآنی بیان کرده است به گونه‌ای که ملت ایران برای حراست و نیز پیاده کردن دستورات قرآن و اسلام، تمامی شدائد و مصائب را به جان خرید و با جانبازی، فداکاری و شهادت طلبی فرزندان خود، خواهان تشکیل حکومت قرآنی و اسلامی بوده است به گونه‌ای که باید اذعان کرد قیام ملت ایران، یک قیام قرآنی بوده است. از همین روی، هدف شناسی قیام قرآنی ملت ایران در دیدگاه امام خمینی را می‌توان در دو بخش مورد بررسی و تحلیل قرار داد: یکی قیام برای احیای قرآن و دیگری قیام برای تشکیل حکومت قرآنی.

#### ۴-۲-۱. قیام برای احیای قرآن

امام خمینی، قیام ملت ایران را یک قیام الهی و قرآنی دانسته که در طول این نهضت، ملت از نظام ستم‌شاهی و نیز حکومت منهای قرآن و سنت آن نظام شاهنشاهی به ستوه درآمده و با اتکا به وعده‌های الهی خواستار قیام و نهضتی بودند که در راستای احیای مقاصد و دستورات قرآن باشد. همچنان که سخنان و بیانات ایشان در این زمینه را می‌توان در عناوین و مباحث ذیل مورد بررسی و مطالعه قرار داد:

#### ۴-۲-۱. قیام ملت برای تحقق احکام قرآن

امام در ضمن سخنان خویش به یکی از مهم‌ترین عامل مخالفت خویش با رژیم پهلوی اشاره نموده که در این نهضت، ملت ایران به دنبال تحقق عملی و عینی احکام قرآن و اسلام بوده‌اند. لذا می‌فرماید:

*از باب اینکه رژیم مانع بود از اینکه اسلام در خارج تحقق پیدا بکند، احکام اسلام تحقق پیدا بکند، به قرآن عمل بشود، از این جهت ما با رژیم مخالفت کردیم ... اینها می‌خواهند یک مملکت غربی برای شما درست کنند آزاد هم باشید، مستقل هم باشید اما نه خدایی در کار باشد و نه پیغمبری و نه امام زمانی و نه قرآنی و نه احکام خدا (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۴۵۷، ۴۶۰).*

بر اساس صراحت بیان امام در این گفتار از یکسو، رژیم پهلوی مانع اجرا و تحقق احکام اسلام و قرآن در سطح جامعه معرفی شده و از سوی دیگر به سبک حکومتی و اداره کشور در نظام

شاهنشاهی سابق پرداخته شده که چگونه آنان به دنبال مدیریت جامعه ایرانی به سبک غربی بوده‌اند که در عین اعتقاد به اصل آزادی و استقلال، مسائل اساسی و بنیادین نظام ارزشی و مکتبی اسلام و قرآن همانند خداشناسی و جهان بینی توحیدی، نبوت، امامت و ولایت به ویژه اندیشه انتظار و مهدویت، نماز، روحیه شهادت طلبی و در رأس آنها، قرآن و تربیت قرآنی در آن حکومت وجود نداشته باشد، لذا باید گفت که قیام و نهضت اسلامی در آن برهه در حقیقت یک قیام قرآنی بوده است در برابر کسانی که مصداق بارز و اتم «صدّ عن سبیل الله» بوده‌اند.

#### ۴-۲-۱-۲. استقلال و آزادی توأم با قرآن

جهان بینی توحیدی امام بر این مبنا استوار است که در طول قیام ملت ایران، هدف از قیام و مقاصد آن شناخته شده و برای دیگران نیز تبیین شود. لذا ایشان حضور و حاکمیت قرآن و فرهنگ قرآنی را یک اصل مهم و زیربنایی تلقی نموده که هیچ ادعا و یا شعار دیگری حتی استقلال و آزادی هم نمی‌تواند جانشین قرآن و آموزه‌های وحیانی آن شود، از این رو امام در دیدگاه انقلابی و اصلاحی خویش هم از روزنه ایجابی و هم از دریچه سلبی به مقوله‌هایی نظیر استقلال و آزادی و پیوند آن دو با قرآن و قیام قرآنی ملت مسلمان ایران نگاه می‌کند و هدف شناسی انقلاب را اینگونه بیان می‌دارد: «ما استقلالی که اسلام توی آن نباشد نمی‌خواهیم... وقتی قرآن اسلام مطرح نباشد، هزار تا آزادی باشد، ممالک دیگر هم آزادی دارند ما آن را نمی‌خواهیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۴۶۰). در گفتار فوق از یک سو، اصول و مفاهیم ارزشمندی همچون استقلال طلبی و آزادی خواهی مورد تأکید و تأیید قرار گرفته که اتفاقاً هر دو از لوازم و ضروریات حکومت‌ها و جوامع انسانی است و از سوی دیگر، اینکه رژیم پهلوی و یا هر رژیم حکومتی بخواهد بر سر قرآن و استقلال و آزادی ملت‌ها معامله کند، قطعاً این کار مردود بوده و هیچ ملت آزاده و مستقلی نخواهد پذیرفت که متون مقدس دینی خود را وانهد، بلکه بر اساس قرائت اسلام شناختی امام خمینی ما استقلال و آزادی‌ای را طلب خواهیم کرد که در زیر چتر و چنبره قرآن و اسلام باشد و حریم و حدود آنها با شاخص قرآن و سنت مرزبندی شود. لذا امام خمینی نه تنها به استقلال و آزادی منهای قرآن، اقبال و روی خوش نشان نمی‌دهد بلکه در این حالت، استقلال و آزادی را کالای رایج و قابل دسترسی می‌داند، که در تمام ممالک دیگر هم وجود دارد و هیچ منّتی بر سر ملت انقلابی ایران نخواهد

بود. همچنانکه در فرازی دیگر و با زاویه سلبی به این مقوله نگریسته و از آزادی بدون قرآن بیزاری جسته است:

ما اسلام را می‌خواهیم که اسلام آزادی به ما بدهد، نه آزادی منهای اسلام.  
 آنها استقلال منهای قرآن را می‌خواهند، ما قرآن را می‌خواهیم.... ما اگر  
 تمام آزادیها را به ما بدهند، تمام استقلالها را به ما بدهند و بخواهند قرآن را  
 از ما بگیرند، نمی‌خواهیم. ما بیزار هستیم از آزادی منهای قرآن، ما بیزار  
 هستیم از استقلال منهای اسلام (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴۸۶:۷).

#### ۴-۲-۱-۳. قیام برای احیای دستورات قرآن

امام در بیانی دیگر، قیام ملت غیور ایران را در راستای احیای دستورات قرآن و سنت رسول خدا<sup>(ص)</sup> مبنی بر اتحاد و انسجام امت اسلامی و مبارزه و مقابله با کفر جهانی معرفی کرده چنین می‌فرماید: «جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی، برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین ... بوده است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳۲۳:۲۰).

بر اساس عبارات فوق، از جمله آموزه‌های بلند قرآنی، دعوت به وحدت آحاد ملت اسلامی برای مبارزه با توطئه‌ها، استعمارها و استثمارگری‌های اجانب مزدوری است که قصد به استضعاف کشاندن مسلمین و نیز تسلط و سیطره بر منابع مالی و انسانی ملل مظلوم مسلمان را دارند همچنان که قرآن کریم نیز بر اساس قاعده نفی سیل، هرگونه راه سیطره کفار بر مسلمین را مردود و محکوم می‌داند: «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱). امام همچنین در ضمن بیاناتی در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش، قیام قرآنی ملت ایران را از یکسو در راستای پیاده کردن مقاصد کامله قرآن و سنت معرفی نموده و از سوی دیگر این جنبش عظیم اسلامی را مایه افتخار و مباهات دانسته که ملت عزیز ایران در راه تحقق این آرمان بلند قرآنی خویش، با ایثار جان و مال خود، راه ایثارگری و شهادت طلبی را دنبال می‌کند (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳۹۷:۲۱).

#### ۴-۲-۱-۴. اداره کشور تحت رهبری قرآن

امام در جهان بینی توحیدی و قرآنی خویش از یکسو، مسأله قرآن را متفاوت و متمایز با سایر مسائل متداول در زندگی عادی انسان‌ها همانند مسأله اقتصاد و یا مسکن می‌داند که در صورت



ضرورت یا تراحم منافع و مصالح بتوان از این دست مسائل چشم پوشی کرد، بلکه مسأله قرآن و دستورات آن را فراتر و والاتر از مسائل روزمره زندگی مادی قلمداد و معرفی می‌نماید و از سوی دیگر، این جنبش و نهضت را مقدمه‌ای برای رهبری و حاکمیت قرآن و سنت رسول اکرم (ص) و اولیای الهی در اداره امور کشور می‌داند که تمام مقاصد به این مقصد اعلی برمی‌گردد. لذا چنین می‌فرماید: «مسأله، مسأله اقتصاد نیست، مسأله خانه نیست که من بتوانم از خانه بگذرم، از اقتصاد بگذرم، مسأله مسأله قرآن است. می‌توانیم ما بگذریم از این؟ ما نمی‌توانیم بگذریم از این؟» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۱۹۰). و در سخنی دیگر بر اسلامی شدن کشور با اداره شدن آن تحت رهبری قرآن و سنت، تأکید و چنین می‌فرماید: «مقصد این است که کشور ما یک کشور اسلامی باشد؛ کشور ما در تحت رهبری قرآن، تحت رهبری پیغمبر اکرم و سایر اولیای عظام، اداره بشود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۵۳۱).

دقت و تأمل در عبارت فوق از حیث کاربرد دقیق و به‌جای واژگان از سوی امام خمینی بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که ایشان با استخدام ترکیب «رهبری قرآن» یکی از بهترین، زیباترین و رساترین ترکیبات را در مورد رسالت و نقش تربیتی، هدایتی و مدیریتی قرآن کریم به کار برده‌اند آنجا که اداره یک کشور پس از وقوع یک قیام قرآنی، ابتدا اسلامی شده و سپس تحت رهبری و مدیریت تام و تمام قرآن و دستورات آن قرار بگیرد. لذا آنجا که رهبری جامعه به سمت قرآن انجام شود، قطعاً برچیده شدن بساط استکبار و مستکبرین و نیز رفاه و آسایش زندگی مستضعفین را باید از جمله مقاصد اسلام و قرآن دانست همانگونه که امام در فراز بالا چنین فرمود.

#### ۴-۲-۲. قیام برای تشکیل حکومت قرآنی

با مطالعه و بررسی دقیق اندیشه‌ها و کلام امام راحل در خصوص قیام قرآنی ملت ایران، چنین مشاهده و ملاحظه می‌شود که بعد دوم و گام بعدی از هدف شناسی قیام امت آرمان خواه ایران پس از احیای دستورات قرآن، عبارت از تشکیل حکومت قرآنی باشد همچنان که پیام‌ها و تأکیدات امام از یکسو، ملت مسلمان ایران را به حفاظت و حراست و ترویج قرآن دعوت می‌کند به گونه‌ای که می‌بایست در راه تحقق آن هم شکیبایی ورزند و هم از روحیه شهادت طلبی و ایثارگری برخوردار باشند و از سوی دیگر، از این ملت مسلمان می‌خواهد که برای احیای قرآن و اجرای دستورات آن، یک قیام قرآنی را سامان‌دهی کنند و در مرحله بعدی یعنی پس از تحقق

زمینه‌ها و بسترهای احیای قرآن، نوبت به تشکیل حکومت قرآنی و حاکمیت قوانین قرآن و دولت قرآنی و اسلامی می‌رسد. همچنان که تمامی این مراحل و دسته‌بندی‌ها در نص صریح سخنان ایشان از ابتدای تشکیل نهضت تا فرجام آن و پیروزی انقلاب اسلامی وارد شده است.

در حقیقت باید گام نخستین قیام قرآنی ملت مسلمان ایران در مراقبت و ترویج فرهنگ قرآن و سپس احیا و تجدید حیات قرآن را به منزله قیام و حرکت نرم افزاری نظام اسلامی و قرآنی به رهبری امام خمینی قلمداد نمود و سپس گام بعدی برای تشکیل حکومت قرآنی را حرکت سخت‌افزاری این نهضت در امر مدیریت جامعه اسلامی و حاکمیت قوانین قرآن، تلقی نمود. از همین روی، مجموع سخنان و موضع‌گیری‌های امام خمینی در این باره را می‌توان در عناوین و موارد ذیل مورد بررسی و دسته‌بندی قرار داد:

#### ۴-۲-۱. رفع موانع تشکیل حکومت قرآن

امام خمینی یکی از مهم‌ترین آثار و برکات قیام قرآنی و اسلامی ملت ایران را، رفع موانع تشکیل حکومت قرآنی و به‌وجود آمدن بسترهای لازم برای تحقق حاکمیت قرآن در پناه فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و نیز وجود روحیه شهادت‌طلبی در میان امت مسلمان ایران به‌ویژه جوانان این ملت که همانند جوانان صدر اسلام، با آغوش باز به استقبال شهادت رفتند، می‌داند. لذا ایشان در این باره چنین می‌فرماید:

*این تحول عظیمی که در این ملت پیدا شد یک تحولی بود که فقط برای این معنا که مثلاً رژیم نباشد؟ یا دنباله داشت؟ رژیم نباشد؛ حکومت اسلامی باشد. اساس آن بود؛ اساس آن بود که می‌خواستند قرآن حکومت کند در این کشور. موانع را برداشتند که حکومت، حکومت اسلامی باشد؛ نه اینکه همه مقصد این بود که فقط آزاد باشیم... یک جوانهایی مثل جوانهای صدر اسلام که شهادت را برای خودشان فوز می‌دانستند، می‌گفتند شهید هم بشویم سعادت‌مندیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶۴:۸).*

لازم به ذکر است که امام از اراده و عزم جدی ملت انقلابی ایران به‌ویژه جوانان آن برای دستیابی به حاکمیت قرآن در کنار استقلال‌طلبی و آزادیخواهی آنان با کوششی که در برداشتن موانع تشکیل حکومت قرآن داشته‌اند، به‌عنوان «تحولی عظیم» یاد و تعبیر می‌کند که این روحیه و

اراده مستحکم برای مبارزه با هواپرستی و معنویات گرایي همانند روحیاتی است که جوانان حجاز در صدر اسلام در دفاع از اسلام و پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> از خود بروز می دادند.

#### ۴-۲-۲-۴. قیام برای حاکمیت قوانین قرآن

حاکم شدن قرآن و قوانین قرآن از یکسو و باطل کردن قوانین مقابل و مغایر با قرآن و اسلام را از دیگر سو، می توان از دیگر اهداف و مصادیق تشکیل حکومت قرآنی در دیدگاه امام راحل در ذیل قیام ملت برشمرد. به گونه ای که شاید بتوان مهم ترین و برجسته ترین مقصد و مقصود نهضت اسلامی را در همین هدف مهم و بنیادین خلاصه و جستجو نمود. آنجا که امام امت درباره این هدف از قیام قرآنی چنین می فرماید: «ما نهضت را برای آن کردیم که اسلام و قوانین اسلام و قرآن و قوانین قرآن در کشور ما حکومت کند. و هیچ قانونی در مقابل قانون اسلام و قرآن عرض وجود نکند، و نخواهد کرد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۱۶۶).

قانونگرایی در دین اسلام و نیز قانونمداری تمامی آموزه ها، احکام و دستورات قرآن را باید از جمله مهم ترین و مترقی ترین دیدگاه قرآن شناختی امام خمینی و نیز هدف شناسی قیام اسلامی و قرآنی ملت در مکتب ایشان قلمداد نمود، چرا که غالباً در اکثر کشورها و ملت هایی که به هر دلیلی انقلابی واقع می شود، هرج و مرج طلبی و بی قانونی تا مدت های مدیدی پس از پایان وقوع آن انقلاب در آن کشورها، موج می زند و سران انقلاب قادر به کنترل بی قانونی و هرج و مرج گرایي جهت هدایت و سوق دادن انقلابیون به سوی قانونگرایی و حاکمیت قانون نمی باشند.

از همین روی، تأکید و تمرکز امام راحل مبنی بر حاکمیت قوانین قرآن و اسلام، آن هم در اوایل پیروزی و به ثمر نشستن انقلاب اسلامی از اعتقاد عمیق ایشان به قانونمندی آموزه های اسلام و قرآن از یکسو و نیز ضرورت حاکمیت قوانین در اداره کشور بر اساس قوانین مصرحه و مشروحه در متون دینی، حکایت دارد. همچنان که ایشان در فرازی دیگر اصل اجرای قانون اسلام و نیز مبارزه با بی قانونی و یا حاکمیت قوانین مغایر با قوانین اسلام و قرآن تأکید می ورزد و چنین می فرماید:

ما هیچ حکومتی را جز حکومت الله نمی توانیم بپذیریم؛ و هیچ دستگاهی را که بر خلاف قوانین اسلام باشد نمی توانیم بپذیریم. و هیچ رأیی را که بر خلاف رأی اسلام باشد و رأی شخصی باشد. رأی گروهی باشد، رأی حزبی باشد، ما نمی توانیم بپذیریم... ما تابع اسلام هستیم؛ ما تابع قانون اسلام هستیم. و جوانهای ما خوششان را برای اسلام داده اند. جوانهای ما آن قدر

جدید کردند، می‌گفتند ما اسلام را می‌خواهیم، ما احکام اسلام را می‌خواهیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۲۸۳).

#### ۴-۲-۳. قیام برای تحقق قرآن و دولت اسلام

از دیدگاه امام راحل تمام سختی‌ها و شهادت‌ها و نیز تمام اراده‌های ملت ایران برای آن بوده است که از یکسو، قرآن و قوانین آن در همه ارگان‌ها، بخش‌ها و روابط حاکم بر مردم و جامعه، حکمفرما شود و از سوی دیگر، از یوق استعمار و سیطره طولانی مدت امریکای جنایتکار و نوکران دست‌نشانده آنان که به دنبال غارتگری اسلام و مسلمین بوده‌اند، نجات پیدا کنند و رژیم غیرقانونی و غیراسلامی شاهنشاهی را براندازند، لذا این مهم تنها در سایه اعتقاد به حاکمیت اسلام و قوانین قرآن محقق خواهد شد. از همین روی، ایشان در این زمینه می‌فرماید: «این ملتی که از اول قیامش برای اسلام بود، برای قرآن بود، این ملتی که در طول چندین سال، تقریباً دو دهه و اخیراً چند سال، آن قدر زحمت کشیدند... اینها با صراحت گفتند که ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۴۵۷).

و در جایی دیگر نیز چنین فرمود:

ملت ایران پس از صدها سال گرفتاری به دست شاهان ستم پیشه و ستمکاران حرفه‌ای که اسلام عزیز را وسیله غارتگری و چپاول برای خود و قدرتهای بزرگ و اخیراً امریکای جنایتکار قرار داده بودند و قرآن کریم و اسلام بزرگ را در معرض خطر می‌دیدند، بپاخواستند و با انقلاب کبیر خود، دولت اسلام را جایگزین رژیم غیر اسلامی و غیر قانونی شاهنشاهی نمودند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۶۹).

همچنان که در ضمن بیانی بر ضرورت کوشش همگانی برای تحقق اهداف قرآن در سرتاسر ایران تأکید می‌ورزد (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۳۵۰).

#### ۴-۲-۴. تجدید حیات قرآن در پرتو انقلاب

یکی دیگر از اهداف و آثار انقلاب ملت مسلمان ایران از منظر امام خمینی را می‌توان در مقوله تجدید حیات قرآن و نیز ممانعت از ایجاد انحراف و اعوجاج در این کتاب مقدس جستجو نمود. امام بر این باور بود که دشمنان اسلام و قرآن با تمام اعوان و اذناب خویش کمر همت بسته بودند تا از یکسو، قوانین قطعی اسلام را به نوعی بی‌خاصیت و بی‌اثر جلوه داده و باعث فراموشی و

خاموشی نور آن گردند و از سوی دیگر با ایجاد تحریف و انحراف در احکام و آیات قرآن، دستورات آن را به نفع خود مصادره و مآلاً تفسیر به رأی کنند. لذا این انقلاب قرآنی از یکسو مانع تحقق اهداف شوم و پلید منافقین و بدخواهان در ایجاد و انحراف در قرآن و اسلام گردید و از سوی دیگر باعث تجدید حیات قرآن و هر چه زنده‌تر و بالنده‌تر شدن احکام نورانی قرآن در فرهنگ دینی ملت ایران گردید. در همین راستا، ایشان می‌فرماید: «شما اسلام بزرگ را که می‌رفت دستخوش انحراف منحرفین و منافقین شود و احکام مترقی آن به احکام دلخواه نادانان مبدل گردد و با اسم اسلام راستین، قوانین مسلم منصوص در قرآن کریم به نسیان کشیده شود، زنده و تجدید کردید» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۲۴۹).

#### ۴-۲-۵. قیام برای تبعیت از قرآن و نفی سلطه جویی

امام خمینی در بخش دیگری از بیانات خویش در تبیین مقاصد اصلی نهضت مردمی، اصل پیروی و تبعیت از قرآن کریم و احکام اسلامی و نیز نفی سلطه جویی و قدرت طلبی را به عنوان بنیادی‌ترین هدف تشکیل حکومت قرآنی مردم سالار معرفی نموده، چنین می‌فرماید: «نه حکومت می‌خواهیم به آن معنا که آن قدرتهای بزرگ می‌خواهند و نه قدرت می‌خواهیم به آن معنا و نه سلطه جویی می‌خواهیم و ما همه می‌خواهیم تابع قرآن کریم و اسلام عزیز باشیم و قرآن کریم و اسلام عزیز همه چیز ما را اداره می‌کنند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۴۷۳). از دقت و تدبر در عبارات فوق، تفاوت دیدگاه انقلابی و حاکمیتی امام خمینی با سایر رهبران و حاکمانی که از طریق انقلاب‌های مردمی یا کودتاهای نظامی به قدرت رسیده‌اند، به روشنی به دست می‌آید چرا که بر اساس گفتار فوق، امام با صراحت و صلابت هر چه تمام‌تر اولین و آخرین مقصد و مقصود انقلابی خویش را تبیین و تدقیق می‌نماید. بنابر اعتقاد امام، ایشان از رهگذر این انقلاب مردمی و قرآنی نه در پی دستیابی به یک حکومت و فرمانروایی بوده‌اند و نه به دنبال جلب و کسب قدرت و یا سلطه جویی جبارانه، حکومت و قدرت و سلطه طلبی که غالباً در اکثر و یا تمام انقلاب‌ها و دگرگونی‌های نظام‌های حکومتی اتفاق می‌افتد و عموماً رهبران و فرماندهان آن انقلاب بیش از هر چیز دیگری در پی دست یازیدن به یک حاکمیت، قدرت و اقتدار سیاسی - نظامی هستند تا از رهگذر این چرخش قدرت به نوعی به خواسته‌ها و تمایلات درونی و نفسانی خویش مبنی بر قدرت طلبی و سلطه جویی پاسخ مثبت دهند، بلکه برعکس؛ حکومت، قدرت طلبی و سلطه جویی

در مسلک انقلابی و سلوک دینی امام عظیم‌الشان جایگاه و پایگاهی نداشته و ندارد، چرا که ایشان مهم‌ترین رسالت و مأموریت انقلابی خویش را در تابعیت و پیروی محض از قرآن و اسلام عزیز معرفی نموده که از رهگذر تبعیت از آموزه‌های قرآن و اسلام، تمام امور مسلمین تحت رهبری و مدیریت منسجم قرآن قرار بگیرد آن گونه که قرآن و اسلام عزیز همه چیز ما را اداره کند (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۱۳).

لذا احیای اسلام و قرآن و دوری از هر نوع برتری جویی و قدرت طلبی، رسالت اصلی و مأموریت غایی انقلاب قرآنی امام و امت همیشه در صحنه و حزب‌الله ایران اسلامی بوده است. همچنان که ایشان در سخنی دیگر، تشکیل یک حکومت مکتبی و مبتنی بر عدالت و به دور از فساد و تبعیض را از جمله اهدافی می‌داند که این انقلاب در پی ایجاد و گسترش آن بوده است همانگونه که انبیای الهی نیز از سوی خداوند چنین مأموریت مهمی را دنبال می‌کردند: «ما میلمان این است... میل انبیا هم همین بوده است. میل همه ما این است که ما یک حکومتی داشته باشیم، همان جور حکومتهایی که در صدر اسلام بود که عدالت بود، همه‌اش عدالت بود و زاید بر آن، آن مسائلی که در قرآن کریم و در اسلام هست آنها هم باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۸).

#### ۳-۴. نقش قرآن در پیروزی انقلاب اسلامی

از دیدگاه امام خمینی همانگونه که ملت مسلمان ایران هدف نهضت خود را بر پایه احیای قرآن و اجرای قوانین قرآن قرار داده و در راه حمایت و تجدید حیات قرآن، تمام سختی‌ها و شهادت‌ها را برای تحقق مقاصد قرآن به جان خریده تا در سایه تشکیل حکومت قرآنی، استقلال و آزادی آنان نیز بر پایه معنویات تأمین شود، در مقابل، اراده و وعده نصرت الهی که در آیات قرآن بدان تصریح شده است، این ملت ستمدیده و مظلوم را به پیروزی و اوج عزت خود رسانیده به گونه‌ای که حقیقتاً این قرآن بوده است که عامل اصلی پیروزی نهضت قرآنی ملت آزادیخواه و استقلال طلب ایران اسلامی شده بود. آنجا که آیات نورانی این کتاب حیات بخش و عزت آفرین، خود در توصیف مجاهدت‌ها و نهضت‌های اصلاحی پیروان خود، چنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷) «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹).

#### ۴-۳-۱. اتکا به قرآن، عامل پیروزی انقلاب اسلامی

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در طول حیات و رهبری هوشمندانه خویش در تبیین علل، ریشه‌ها و بسترهای قیام مردمی ایران و فرجام آن در پیروزی انقلاب اسلامی، در مواضع و مواقع گوناگونی از پیروزی ملت عظیم ایران در نهضت انقلابی خویش، رمزگشایی و صراحتاً از نقش‌ها و هدایت‌های خاص قرآن کریم در به‌بار نشستن نهال انقلاب اسلامی، سخن به میان آورده و اتکا به آن را سبب پیروزی ملت انقلابی ایران دانسته است همچنان که عناوین و تعابیر متعدد ذیل شاهدهی بر این مدعاست:

#### ۴-۳-۱-۱. اتکا به قرآن، رمز پیروزی ما

امام در صریح‌ترین و بلیغ‌ترین تعابیر خویش، در ضمن توصیه به سایر ملت‌های مسلمان جهت مبارزه و غلبه بر ابرقدرت‌ها، اتکا به قرآن و تقویت ایمان را از جمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین رمز پیروزی و غلبه ملت ایران بر دشمنان خویش عنوان و آنان را به استفاده و کاربرد از این رمز الهی، سفارش نموده چنین می‌فرماید: «من توصیه می‌کنم به همه ملت‌ها که این رمزی که در ایران به آن رمز غلبه پیدا شد بر ابرقدرت‌ها، این رمز را آنها به کار ببرند. وحدت، اتکای به خدا، تقویت ایمان، اتکال به قرآن کریم، اتکال به اسلام، وحدت کلمه؛ رمز پیروزی ما [بود]» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۶۴).

با دقت در عبارات فوق چنین ملاحظه می‌شود که امام در بیان رمز پیروزی انقلاب اسلامی، هم به رموز معنوی همچون: اتکا به خدا، نیروی ایمان قوی، اتکال به قرآن و هم به رموز مادی همچون وحدت و وحدت کلمه اشاره و نظر داشته است.

#### ۴-۳-۱-۲. تجلی نور قرآن در قلب ملت ایران

امام همچنین در فرازی دیگر، ضمن تجلیل از مقاومت معجزه آسای زنان و مردان این ملت در پیروزی انقلاب اسلامی از تجلی نور قرآن در قلب ملت ایران به‌عنوان عامل مقاومت و شهادت این ملت در برابر تهاجمات نظامی و توپخانه‌ای دشمن و سپس پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت اسلام یاد کرده، چنین می‌فرماید: «این یک معجزه است... معجزه اسلام است، این قدرت اسلام

است که در شما تجلی کرده است... این نور قرآن و اسلام است که در دل‌های شما و در قلوب همه ملت ایران جلوه کرده است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۱۹۲).

در این عبارات، امام خمینی از یکسو، تمام عوامل و مؤلفه‌هایی را که باعث پیروزی ملت ایران و انقلاب اسلامی شده برشمرده و از سوی دیگر هر یک از این عوامل و مؤلفه‌ها را به تنهایی یک معجزه و خرق عادت قلمداد نموده که همه این عوامل و مؤلفه‌ها در یک علت العلل و غایت‌الغایاتی به نام معجزه اسلام و نور قرآن مجتمع و عامل پیروزی ملت قرآنی ایران اسلامی گردیده است. لذا ایشان عواملی همچون: اتحاد و اتفاق خواهران و برادران این ملت به صورت یکصدا و یک شکل در مقابل دشمن واحد و مشترک، قوت ایمان، عظمت و برکت خون شهیدان، شهامت و جسارت زنان در مقابل هجمه‌های نظامی و توپخانه‌ای دشمن، قدرت عظیم اسلام و نهایتاً تجلی نور قرآن در قلب ملت ایران را، به‌عنوان شش عامل نصرت و پیروزی ملت ایران یاد می‌کند که در نهایت به‌عنوان شش معجزه الهی در به‌ثمر نشستن انقلاب این ملت اسلامی و قرآنی دخالت و تأثیر مستقیم داشته است. همچنان که ایشان در ضمن سخنان دیگری، بر این باورند که تکیه بر قرآن و توجه به معارف و دستورات آن موجب پیروزی ملت ایران در برابر قدرت شیطانی نظام پهلوی که مستظهر به قدرت‌های بزرگ‌تر شیطانی بوده است، گردید و آنان با الهام از قرآن، سد بزرگ مقاومت شاهنشاهی را شکستند آنگونه که هیچ ملت دیگری جرأت آن را نداشته و این امر در چشمانشان ناممکن می‌نمود (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۱۲۴) ایشان می‌فرماید: «با توجه به قرآن این سدها را شکستید؛ سدهایی که همه گمان می‌کردند ممتنع است شکستن آن» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۱۳۶).

#### ۴-۳-۱-۳-۴. پرچم قرآن، رمز پیروزی ما

امام خمینی در کنار یادکرد از عوامل و مؤلفه‌های دیگری در میان امت اسلامی نظیر: اتکا به قدرت الهی، معنویت خواهی، شهادت طلبی جوانان و شهامت آنان، از نقش برجسته و بارز قرآن و هدایت‌های آن به‌ویژه در امر تشویق جوانان به مجاهدت و استقبال از شهادت، سخن به میان می‌آورد و معتقد و مطمئن است که پرچم برافراشته قرآن و نیز پرچم توحید عامل و رمز مهم پیروزی ملت ایران در برابر دشمنانش بوده است که این پرچم باید همچنان برافراشته باقی بماند. لذا در این باره چنین می‌فرماید:



رمز پیروزی امروز ما این است که اتکا به خدای تبارک و تعالی داشتیم. رمز پیروزی ما این است که جنبه فقط سیاسی نبود، فقط برای نفت و امثال اینها نبود؛ جنبه معنوی بود، اسلامی بود. جوانان ما آرزوی شهادت می کردند... رمز پیروزی اتکال به قرآن و این شیوه مقدس بود که شهادت را استقبال می کردند، خوف در دل آنها نبود. در عین حال که تانکها و مسلسلها به روی آنها آتش می گشود آنها استقبال می کردند... این رمز را حفظ کنید؛ این رمز پیروزی را تا حفظ کنید پیروز هستید... پرچم قرآن تا بر فراز سر ملت ماست پیروز است. این رمز را حفظ کنید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۲۳).

در این عبارت بلند و جامع، امام از یکسو، عنصر پرچم برافراشته قرآن و معارف اسلامی را عامل و رمز پیروزی ملت معرفی می نماید و از سوی دیگر محتوا، مقصد و هدف اصلی این قیام را جنبه معنوی و متافیزیکی این نهضت معرفی می کند، نه اغراض و جنبه های سیاسی که صرف دستیابی به یک قدرت و حکومتی باشد و نه جنبه اقتصادی - تجاری آن که در اصطلاح امروزی، جنگ نفت و امثال آن باشد بلکه عنصر فعال و با انگیزه این جنگ، جوانان عاشق و شهادت طلبی بودند که در راه اسلام و قرآن، از هیچ امری خوف نکردند و باعث خلق حماسه ها و معجزه هایی از جنس غلبه مشته های گره کرده بر توپها، تانکها و مسلسل های دشمنان زبون و شیطانی شدند. امام همچنین در ضمن بیانی دیگر، از نقش قرآن و دژ محکم آن در پیروزی اسلام و غلبه بر دشمنان چنین یاد می کند:

در پناه قرآن بود که اسلام در نیم قرن بر همه امپراتوریهها در آن وقت غلبه کرد. و ما مادامی که در پناه قرآن هستیم بر دشمنان غلبه خواهیم کرد و اگر خدای نخواستہ دشمنان اسلام ما را از اسلام و قرآن جدا کردند، باید بنشینیم و ببینیم که ما در ذلت - خفت بندگی - زندگی می کنیم. استقلال و آزادی در پیروی از قرآن کریم و رسول اکرم (ص) است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۱۳۱).

#### ۴-۳-۴. پیروزی ملت به برکت گرایش به قرآن

لطف و اراده خدای متعال به همراه گرایش ملت ایران به اسلام و نیز گرایش به قرآن را می توان از دیگر عوامل پیروزی انقلاب اسلامی در اندیشه و کلام امام خمینی دانست. ایشان در همین زمینه

می‌فرماید: «کسی گمان نکند که اشخاصی یا گروه‌هایی پیروزی را برای ما تحصیل کردند. خیر، این خدای متعال بود که وقتی که دید مردم در راه او قیام کرده‌اند با آنها همراهی کرد... پس پیروزی ما پیروزی [ای] است که به برکت اسلام و به برکت گرایش به قرآن پیدا شد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۱۹۷).

بنابراین به عقیده امام در عبارت فوق، سه عامل: عنایت و اراده الهی، روحیه اسلام‌خواهی و نیز گرایش‌های قرآنی در میان مردم را، باید از مهم‌ترین اسباب و علل پیروزی ملت ایران در انقلاب اسلامی به حساب آورد.

#### ۴-۳-۱-۵. قرآن، اسلحه پیروزی ملت ایران

امام همانگونه که در تعابیر و بیانات پیش گفته خویش، قرآن را علم و پرچم برافراشته الهی و نیز به مثابه قطب‌نمای ملت مسلمان ایران و رمز پیروزی انقلاب اسلامی می‌داند، در عین حال قرآن را، سلاح اختصاصی پیروزی ملت شهید پرور ایران در کنار سایر سلاح‌های معنوی و دینی معرفی می‌کند که دشمن هم از دارا بودن این سلاح، محروم است و هم اینکه این سلاح را اصلاً نمی‌شناسد. لذا ایشان در این باره چنین می‌فرماید: «آن حرب‌ای که در دست ایران است، پیش آنها نیست و آنها نمی‌شناسند آن حرب را؛ آن حرب ایمان است حرب توحید است، حرب اسلام است، حرب قرآن مجید است که در تحت بیرق یک همچو اسلام و قرآن و توحید همه مجتمع هستند و آنها تأییدات غیبی الهی را منکر هستند، نمی‌توانند بفهمند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۱۰۵).

همچنان که قرآن کریم نیز خود به این نوع از کمک‌ها و تأییدات غیبی در حق مسلمانان صدر اسلام یاد کرده و آن را از جمله مواضع عنایات الهی در پیروز نمودن جبهه اسلامی بر جبهه شیطانی معرفی نموده است. آنجا که درباره امداد الهی در جنگ حنین (توبه: ۲۵-۲۶)، جنگ خندق (احزاب: ۹-۱۱) و جنگ بدر (آل عمران: ۱۲۶-۱۲۳) به صراحت سخن گفته است.

#### ۵. نتایج مقاله

مهم‌ترین دستاوردها و نتایج پژوهش حاضر را چنین می‌توان تبیین و تحلیل نمود:

۱. امام خمینی همواره نگاهی جامع، فراگیر، فرازمانی و فرا مکانی به قرآن داشته است به گونه‌ای که از منظر ایشان، مکتب قرآن و عترت<sup>(ع)</sup> از چنان ظرفیت و پتانسیل بالایی برخوردار

است که در سایه فهم عمیق و تمسک وثیق به آن دو، علاوه بر تدارک نسخه سعادت و کمال فردی انسان‌ها، ترسیم و تصویر نقشه سعادت و کمال و نیز استقلال و پیشرفت همه جانبه امت اسلامی نیز امکانپذیر خواهد شد.

۲. اگر چه آرا و آثار قرآنی - تفسیری امام خمینی به نسبت سایر ابعاد شخصیتی و علمی ایشان کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است ولی به جرأت می‌توان مدعی شد که اوج و عمق اندیشه‌ها و دیدگاه‌های قرآن شناختی ایشان در بسیاری از مسائل و موضوعات خطیر قرآن‌شناختی از ظرافت، جامعیت و نیز جنبه ابتکاری و کاربردی برخوردار است.

اصولی همانند: هدایتگری قرآن، جامعیت قرآن و نیز اعجاز معرفتی و تربیتی توحید محور قرآن را می‌توان به‌عنوان راهبردها و شالوده‌های اصیل تشکیل حکومت قرآنی و پیدایش انقلاب اسلامی قلمداد نمود به ویژه آنکه مسأله نقش اعتقاد به ابعاد و قلمرو گسترده جامعیت قرآن در دیدگاه قرآن شناختی امام خمینی در راستای قیام قرآنی و به تبع آن تشکیل حکومت دینی را نباید از نظر دور داشت.

۳. امام خمینی در عین اینکه قرآن را کتاب هدایت و تربیت بشریت و نیز کتاب انسان سازی و هادی بشر و اداره کننده همه جوانب و نیازهای انسان و ضامن سعادت و نیک‌بختی وی در دنیا و آخرت معرفی می‌کند، قرآن را دربردارنده مسائل فردی و اجتماعی و سیاسی به‌ویژه ارائه دهنده برنامه‌های جامعی برای تشکیل حکومت و اجرای احکام و قوانین اسلامی و الهی می‌داند که در سایه تشکیل حکومت قرآنی، پیروزی ملت‌های ضعیف مسلمان در برابر مستکبرین و ستمگران عالم، قطعی و حتمی خواهد بود. بنابراین، بخش مهم و قابل توجهی از آراء قرآن شناختی امام به بیان جنبه‌ها و کارکردهای سیاسی و حکومتی قرآن و نیز امور مربوط به بیداری اسلامی و حتی نظام روابط بین‌المللی اختصاص پیدا کرده است. از این روی، امام به نقش و سهم متقابل مردم و قرآن در هدایت و پیروزی امت‌ها علیه ستمگران و مستکبران جهانی اشاره نموده تا از رهگذر این رویکرد قرآنی، آزادی، استقلال و عظمت مسلمین تجدید و حاصل گردد. لذا امام به نقش آفرینی و مشارکت گسترده مردم در دفاع و پاسداری از حریم قرآن اعتقاد و اشاره داشته، فداکاری و جانبازی ملت اسلامی برای حفظ و ترویج قرآن را ضروری دانسته به گونه‌ای که شهادت را میراث ماندگار پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) قلمداد نموده به گونه‌ای که شهادت سیدالشهدا (ع) را سرآغاز

حیات ابدی قرآن می‌داند که در همین راه ائمه هدی<sup>(ع)</sup> برای حکومت عدل، حبس‌ها و تبعیدها را متحمل شده‌اند.

۴. امام خمینی قیام ملت ایران را برگرفته و برخاسته از مکتب سرخ عاشورایی و عزت‌طلبی سید و سالار شهیدان حضرت امام حسین<sup>(ع)</sup> برای حفظ قرآن و نیز احیا و اجرای احکام آن در راستای تشکیل حکومت قرآنی بیان کرده است به گونه‌ای که ملت ایران برای حراست و نیز پیاده کردن دستورات قرآن و اسلام، تمامی مصائب را تحمل کرده و با استقبال از روحیه شهادت‌طلبی، خواستار تشکیل حکومت قرآنی و اسلامی بوده است تا جایی که صراحتاً باید اذعان نمود که قیام ملت ایران، یک قیام قرآنی بوده است. بنابراین مقولاتی نظیر: قیام ملت برای تحقق احکام قرآن، اداره کشور تحت رهبری قرآن، استقلال و آزادی در پناه قرآن، احیا و پیاده کردن دستورات و مقاصد قرآن، رفع موانع برای تشکیل حکومت قرآن، نهضت برای حاکمیت قوانین قرآن، تجدید حیات قرآن در پرتو انقلاب، نفی سلطه‌جویی در سایه تبعیت از قرآن در کلام امام را می‌توان شاهی بر این مدعا دانست.

۵. از دیدگاه امام خمینی همانگونه که ملت مسلمان و شهید پرور ایران، هدف نهضت خود را احیای قرآن و اجرای قوانین آن قرار داده تا در سایه تشکیل حکومت قرآنی، استقلال و آزادی آنان نیز بر پایه معنویات تأمین شود، در مقابل نیز به لطف و توفیق الهی، پیروزی ملت ایران در پرتو قرآن حاصل شده و در حقیقت این قرآن شریف بوده است که عامل اصلی پیروزی نهضت قرآنی ملت آزادیخواه و استقلال طلب ایران اسلامی گردید به گونه‌ای که اتکال به خداوند و اتکال به قرآن، رمز اصلی پیروزی انقلاب اسلامی معرفی گردید تا جایی که تجلی نور قرآن در قلب ملت ایران و قرار گرفتن آنان در زیر پرچم قرآن به برکت گرایش به قرآن و به کار بستن دستورات قرآن به عنوان اسلحه ملت ایران، همگی از عوامل پیروزی نهضت قرآنی این ملت محسوب می‌شود.

## منابع

- آرنٹ، هانا. (۱۳۷۴) *انقلاب*، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
- آلوسی بغدادی، سید محمود. (۱۴۱۵ق) *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اکبری دستک، فیض اله. (تابستان ۱۳۹۴) «جامعیت قرآن از دیدگاه امام خمینی»، *پژوهشنامه متین*، سال هفدهم، شماره ۶۷.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۰) *آداب الصلوة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دهم.
- \_\_\_\_\_ . (الف ۱۳۸۲) *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و هفتم.
- \_\_\_\_\_ . (ب ۱۳۸۲) *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هشتم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ . (بی تا) *کشف اسرار*، بی جا، بی نا.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱) *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱) *آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی*، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- جمشیدی، محمد حسین. (۱۳۷۷) *اندیشه سیاسی شهید رابع سید محمد باقر صدر*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۱ق) *البیان فی تفسیر القرآن*، بی جا: انوار الهدی.
- دهقان، حمید. (۱۳۷۶) *پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی*، قم: مؤسسه انتشارات تدین.
- ذهبی، محمد حسین. (۱۳۹۶ق) *التفسیر و المفسرون*، بی جا: دارالکتب الحدیث.
- زرکشی، بدرالدین محمد. (۱۴۱۰ق) *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- زمخشری، محمد بن عمر. (بی تا) *التکشاف*، بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۴۰۵ق) *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۸ق) *معتزک الأقران فی اعجاز القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- شاطبی، ابواسحاق. (بی تا) *الموافقات*، بیروت: المركز العربی للکتاب.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۹) *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق) *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۵ق) *جامع البیان*، بیروت: دارالفکر.
- طنطاوی بن جوهری. (بی تا) *الجواهر فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- عیوضی، محمد رحیم و محمد جواد هراتی. (۱۳۹۴) *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، قم: دفتر نشر

- معارف.
- غزالی، ابوحامد محمد. (۱۴۰۲ق) *احیاء علوم الدین*، بیروت: دارالمعرفه.
  - \_\_\_\_\_ . (بی تا) *جواهر القرآن*، بیروت: المركز العربی للکتاب.
  - فخررازی، محمد بن عمر. (۱۳۷۹) *مفاتیح الغیب*، تهران: انتشارات اساطیر.
  - فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۶) *التفسیر الصافی*، قم: مؤسسه الهادی.
  - محمدی، منوچهر. (۱۳۸۰) *انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدها*، قم: دفتر نشر معارف.
  - مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱) *پیامون انقلاب اسلامی ایران*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
  - معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۴) *التمهید فی علوم القرآن*، قم: دفتر نشر اسلامی.
  - هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰) *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.